

حوادث غیر مترقبه احساس ناامنی روانی را در جامعه افزایش می دهند

بلندمرتبه‌های بی دفاع

دست کم ۲۵۰ بلندمرتبه ایران در وضع ایمن نیستند، اما گزارشی درباره برنامه ایمن سازی آنها ارائه نشده است



گروه گزارش | حدود یک ماه دیگر تهران بار دیگر پلاسکو را به خاطر می آورد؛ در سی امین روز ماه دی، روزی که سازه بلند و فولادین از کمر شکست و به زانو افتاد.

یکسال پس از آن روزها، محبویه ساکن طبقه نهم یکی از برج‌های ساغی هنوز تصویر انفجار مهیب روز سی دی ماه پارسال را مرور می کند. برای بسیاری از ساکنان تهران، حادثه پلاسکو حالا دور شده، هر چند جای خالی پیکر فولادینش در تهران، سرچهارراه استانبول و اعتراض‌های گاه‌به‌گاه کسبه به یاد همه می آورد که پایتخت زمستان سالی که گذشت، چگونه در بهت و اندوه فرو رفته بود. محبویه و خانواده‌اش، در یازده ماهی که از این حادثه گذشته، خیلی شبها درباره پلاسکو، درباره نردبان‌هایی که باز نشدند و

این که در زمان آتش‌سوزی چطور باید خودشان را به نقطه امنی برسانند، حرف‌زدند.

تسا همین چند سال پیش، خانه آنها با چشم‌انداز سبزش رو به خیابان ولی عصر مرکز جهان بود، حالا اما سن و سال این برج چهل و هفت ساله بیشتر به چشم‌شان می آید. برای آنها حادثه پلاسکو تمام نشده: «همیشه می گفتند که این برج‌ها چندساله‌اند و خیلی مقاوم ساختند شده‌اند. این جا قدیمی ولی ما همگی این خانه را خیلی دوست داریم. من فکر می کنم بعد از پلاسکو این نگرانی برای خیلی از ساکنان ساختمان‌های بلند تهران به وجود آمده که اگر بحرانی به وجود بیاید، آنها چقدر شانس زنده ماندن دارند؟ ما خیلی درباره این موضوع حرف می‌زنیم و من مدت‌ها کابوس آتش‌سوزی در ساختمان خودمان را می‌دیدم.»

خبرهای تازه درباره زلزله، آتش‌سوزی و حتی خبری ضدونقیض درباره امنیت و میزان خطرپذیری بلندمرتبه‌های تهران، دلپاره حادثه پلاسکو را در خانه طبقه ۹ زنده می کند. آنها هنوز مرددند برای رفتن یا ماندن: «ما هنوز تصمیم نگرفتیم که بهتر است از این خانه برویم، به‌ر حال خانه عوض کردن ساده نیست. ترسی مدام با ما هست. کوچکترین بوی سوختگی ما را اشتفه می کند. هر چه زمان می‌گذرد، فشار آن استرس کمتر شده، اما نگرانی به جای خود هست.»

ترسی که آتش‌سوزی پلاسکو به جان شهر انداخته مخصوصاً برای ساکنان برج‌ها، در برج مسکونی سامان در بلوار کشاورز هم شنیده می شود. توضیح‌های آتش‌نشانی روی تابلو اعلانات این برج ۲۲ طبقه هنوز دیده می شود. مأموران آتش‌نشانی در ماه‌های گذشته در این ساختمان چند مانور برگزار کرده‌اند، کپسول‌های اطفا حریق سخت‌گیرانه‌تر بازبینی می شوند و پاکسازی پله‌های فرار از وسایل اضافه‌مهمترین اتفاقاتی است که حالا ساکنان درباره آن حرف می‌زنند: «به نظرم هر کسی که در برج‌ها زندگی می کند، بعد از حادثه پلاسکو و آتش‌سوزی خیابان جمهوری، احساس ناامنی بیشتری می کند. این دو حادثه به فاصله کمی نشان داد که شهرداری تهران در کنترل حریق در ارتفاع مهارت و توان چندانی ندارد. من هیچ وقت فکر نکردم که به خاطر این موضوع خانام را عوض کنم، اما شخصاً دقتم را در استفاده از وسایل برقی، شمع یا گاز خیلی بیشتر

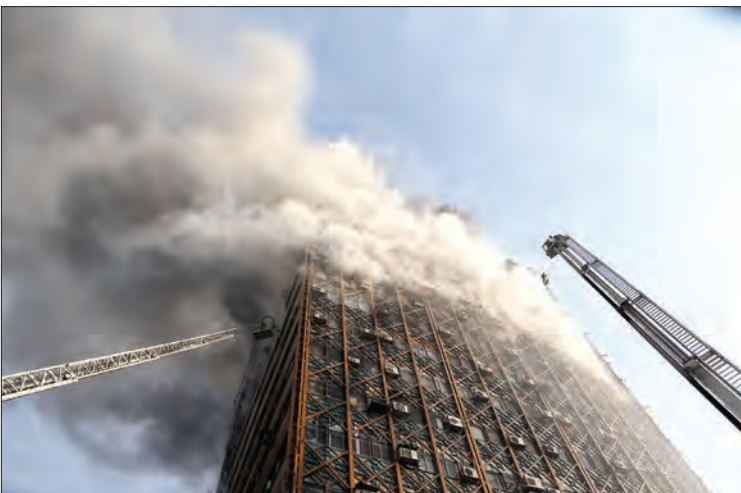
کردم. شاید احساس ناامنی در من بیشتر به احتیاط تبدیل شده.» اینها حرف‌های رضا سکنه یکی از طبقات فوقانی برج سامان است. این که ساکنان برج‌های بلند در تهران، بعد از حادثه پلاسکو یا همزمان با انتشار مکرر شایعات زلزله در تهران چقدر احساس ناامنی می کنند، امری است که می تواند موضوع یک مطالعات پژوهشی مستقل باشد، اما بررسی‌های میدانی محدود در برج‌های تهران نشان می دهد شماری از آنها پس از این حادثه، ملاحظاتی و سخت‌گیری‌ها را برای مواجهه با حوادث احتمالی بیشتر کرده‌اند، ضمن این که برخی از آنها از رفت و آمد بیشتر کارشناسان آتش‌نشانی برای کنترل و بازبینی کپسول‌ها و دریافت توصیه‌هایی برای ایمنی بیشتر خبر می دهند.

یک از برنامه‌هایی که باید در مدیریت بحران در تهران اجرا می شد، برنامه‌های آموزشی در سازه‌های بلندمرتبه تهران بود، چراکه جمعیت، شرایط متفاوت نیازمند آشنایی سکنه با آموزه‌های ویژه‌ای است

غول‌های بی دفاع

بلندمرتبه‌سازی در فرآیند توسعه شهری نیازمند محاسبات دقیق و چندمنظوره است، به گونه‌ای که جوانب این سازه‌های عظیم از ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و تأمین سراسره‌ها و مهمتر از همه امدادسانی در شرایط بحران تبیین و پیش‌بینی شود. در تهران عمدتاً آسیب‌پذیری برج‌ها از منظر میزان تاب‌آوری و مقاومتشان در برابر زلزله بررسی شده و مورد توجه قرار گرفته، اما حالا آتش‌سوزی هم به دغدغه‌ها افزوده شده است. حدود یک سالی که از ماجرای پلاسکو گذشته، تهران مدیریت جدیدی به خود دیده است. همین چند روز پیش محمدعلی نجفی، شهردار تهران، فرمانده حادثه پلاسکو یعنی داوری دولت‌آبادی را به عنوان مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران انتخاب کرد. قرار بود پیش از این شهرداری تهران در چند نوبت، گزارش‌هایی درباره تقویت تجهیزات آتش‌نشانی در تهران ارائه کند، اما شهردار تهران در دوره جدید اعلام کرده امدادسانی به دلیل مشکلات مالی، امکان افزایش اعتبارات آتش‌نشانی وجود ندارد. همزمان با این خبر، زهرا نژادپور، رئیس کمیته شهرداری و معماری شورای شهر تهران اعلام کرده دست کم ۲۵۰ ساختمان بلندمرتبه در تهران از نظر شرایط ایمنی در وضع پرخطری قرار دارند.

این شرایط در حالی است که پیامدهای اجتماعی و روانی حادثه پلاسکو و همچنین زلزله‌های اخیر در نقاط مختلف کشور احساس ناامنی را در تهران تشدید کرده، اما جامعه در برابر این احساس ناامنی پاسخ‌های حمایت‌کننده‌ای دریافت نکرده است. این نکته‌ای است که محمود صادقی، کارشناس شهری و ایمنی در این باره به «شهروند» می گوید: «یکی از مسئولیت‌های مهم مدیریت شهری تأمین امنیت روانی به گونه‌ای است که مردم احساس کنند در صورت مواجهه با حوادث، نهادهای امدادی به کمک آنها می‌آیند. اما تجربه‌های مدیریت بحران در سال‌های اخیر در کنار فداکاری‌ها و از خودگذشتگی نیروهای آتش‌نشان نشان داده در زمینه مدیریت حادثه، تجهیزات مورد نیاز به‌ویژه برای امدادسانی به ساختمان‌های بلندمرتبه در تهران، کسنتی‌های جدی وجود دارد. ما الان با مردمی مواجه هستیم که تجربه نزدیک چند آتش‌سوزی تکان‌دهنده را پشت سر گذاشته‌اند، اما بعد از این حوادث سازمان‌های اجرایی در آنها امنیت خاطر نداده‌اند که



تعمیق افتاده است.

بی‌اعتمادی، احساس ناامنی می آورد

تکرار حوادث غیر مترقبه از آتش‌سوزی گرفته تا زلزله تنها به خسارت‌های مادی و تخریب بافت کالبدی شهری محدود نمی‌شود، یکی از مهمترین پیامدهای منفی این حوادث تأثیراتی است که بر احساس امنیت و به تبع آن سلامت روان جامعه می‌گذراند. در حوادث مهیب دامنه این تأثیرات از جامعه درگیر حادثه فراتر می‌رود و بسته به گستردگی ابعاد حادثه محیط پیرامونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی تکرار خبرهای بدرابیشتر کرده‌اند و همین موضوع بر احساس ناخوشایند ناامنی پس از حوادث اثر گذار است.

به گفته دکتر حامد محمدی کنگرانی، روانپزشک

و عضو انجمن روانشناسان ایران حوادثی مانند زلزله و آتش‌سوزی از چند جهت می‌توانند جامعه را تحت تأثیر قرار بدهند: «وقتی حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، طبیعی است که جامعه وارد وضع اضطرابی شود، اگر این اتفاق برای خودمان بیفتد اتفاق اختلال انقباضی ایجاد می‌شود و افراد دچار مشکلاتی چون استرس و اختلال خواب می‌شوند و اگر اضطراب خیلی شدید باشد وضع PTSD یعنی اختلال استرس پس از حادثه پدید می‌آید. فرد علایم اضطراب و غم مداوم دارد و اگر در زمان بحران قسمت نخست حادثه به درستی انجام نشود، تأثیراتش همه اقدامات ما را باطل می‌کند. تحت تأثیر قرار می‌دهد و مجموع این موارد می‌تواند احساس ناامنی افراد را تشدید کند.»

انگه کنگرانی، فعالیت رسانه‌ها در حوادث محور پلاسکو گرفته تا زلزله کرمانشاه بر بعد هیجان‌ساز متمرکز بود: «شبکه‌های اجتماعی و شهروند خبرنگاران هم به این چرخه اضافه شده‌اند. تأثیر آنها بیشتر متغی بوده، چراکه در شرایط خاص، اطلاع‌رسانی باید با رعایت اصول حرفه‌ای انجام شود. این به معنای سانسور یا ایجاد محدودیت در انتشار اخبار نیست، این اصل پذیرفته‌شده‌ای است و در بسیاری از کشورها جهان قوانین سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه وجود دارد و افراد نمی‌توانند در زمان حادثه هر عکس را منتشر کنند و هر مطلبی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند، اما این مسائل در کشور ما حد و مرزهای روشنی ندارد و حتی در رسانه‌ها هم به درستی رعایت نمی‌شود.»

تزل اعتماد نهادی در ایران و بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی، به گفته این روانپزشک یکی از دلایل افزایش هر چه مرجع اطلاعاتی و به تبع آن افزایش استرس و اضطراب پس از جامعه مشکلات این دوره جبران می‌شود، این عمل اضطراب مردم را کمتر می‌کند.»

به گفته کنگرانی الان اگر کسانی که در ساختمان‌های بلندمرتبه زندگی می‌کنند، با فکر کردن به تجربه پلاسکو دچار اضطراب می‌شوند، به این دلیل است که آنها مطمئن نیستند در صورت تکرار حادثه مشابهی برای ساختمان آنها چقدر امید تجات وجود دارد و در واقع احساس بی‌اعتمادی به نهادهای امدادی است که منجر به افزایش احساس

ترس و ناامنی در آنها می‌شود.

نحوه اطلاع‌رسانی حین و پس از حادثه یکی از عوامل مهم در ایجاد آرامش روانی در جامعه است. موضوعی که با وجود تکرار حوادث غیر مترقبه در ایران، هنوز در شرایط حرفه‌ای و باسما قرار ندارد. به گفته کنگرانی، اطلاع‌رسانی متناقض و هیجان‌زده، اغراق و همچنین بزرگمایی بخشی از حادثه، از مشکلاتی است که همواره در زمان بحران مشاهده می‌شود. «ویکتور هیجان‌مدار در اطلاع‌رسانی به‌ویژه در روزهای نخست حادثه، بسیار مخرب است. تجربه‌ای که هم در زمان پلاسکو و هم حوادث اخیر تکرار شد. سازمان‌های امدادی از جمله هلال احمر از همین الان باید به این فکر باشند که در حوادث بعدی، مسئولیت‌سخت‌گویی با چه کسی است؟»

به گفته این عضو کمیته رسانه انجمن روانپزشکان ایران هر بحرانی دو مرحله را پشت سر می‌گذارد، مرحله هیجان‌مدار و مسأله‌مدار. هر حادثه‌ای با مرحله هیجانی شروع می‌شود: «سازمان‌های امدادی، امدادگران و کسانی که در محل حادثه هستند، باید خیلی سریع از مرحله نخست عبور کنند تا بخش رویکردمدار، قدرت حل مسأله را داشته باشند. در بخش اطلاع‌رسانی مشکل این است که هم رسانه‌ها و هم مدیران مدت زمانی طولانی در مرحله نخست می‌مانند، در حالی که اگر در زمان بحران قسمت نخست حادثه به درستی انجام نشود، تأثیراتش همه اقدامات ما را باطل می‌کند. تحت تأثیر قرار می‌دهد و مجموع این موارد می‌تواند احساس ناامنی افراد را تشدید کند.»

انگه کنگرانی، فعالیت رسانه‌ها در حوادث محور پلاسکو گرفته تا زلزله کرمانشاه بر بعد هیجان‌ساز متمرکز بود: «شبکه‌های اجتماعی و شهروند خبرنگاران هم به این چرخه اضافه شده‌اند. تأثیر آنها بیشتر متغی بوده، چراکه در شرایط خاص، اطلاع‌رسانی باید با رعایت اصول حرفه‌ای انجام شود. این به معنای سانسور یا ایجاد محدودیت در انتشار اخبار نیست، این اصل پذیرفته‌شده‌ای است و در بسیاری از کشورها جهان قوانین سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه وجود دارد و افراد نمی‌توانند در زمان حادثه هر عکس را منتشر کنند و هر مطلبی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند، اما این مسائل در کشور ما حد و مرزهای روشنی ندارد و حتی در رسانه‌ها هم به درستی رعایت نمی‌شود.»

تزل اعتماد نهادی در ایران و بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی، به گفته این روانپزشک یکی از دلایل افزایش هر چه مرجع اطلاعاتی و به تبع آن افزایش استرس و اضطراب پس از جامعه مشکلات این دوره جبران می‌شود، این عمل اضطراب مردم را کمتر می‌کند.»

به گفته کنگرانی الان اگر کسانی که در ساختمان‌های بلندمرتبه زندگی می‌کنند، با فکر کردن به تجربه پلاسکو دچار اضطراب می‌شوند، به این دلیل است که آنها مطمئن نیستند در صورت تکرار حادثه مشابهی برای ساختمان آنها چقدر امید تجات وجود دارد و در واقع احساس بی‌اعتمادی به نهادهای امدادی است که منجر به افزایش احساس

تعمیق افتاده است.